

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین الملل

* عسگر صفری *

تاریخ پذیرش ۹۷/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۵

چکیده

هدف این پژوهش در وهله اول بررسی مفهوم صلح و سازوکارهای دست‌یابی به آن از منظر رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل و به‌ویژه فقه شیعی و در وهله دوم مقایسه رویکرد اسلامی به صلح با دیدگاه‌هایی همچون رئالیسم و لیبرالیسم، مارکسیسم و نظریه‌های انتقادی در عرصه روابط بین‌الملل است. تمرکز اصلی این پژوهش بر فقه شیعی است، زیرا اعتقاد بر این است که این عنصر بینش‌های جدیدی به رویکرد اسلامی روابط بین‌الملل می‌بخشد که ضمن پویاتر کردن آن می‌تواند در بررسی مفاهیم اصلی روابط بین‌الملل از جمله جنگ و صلح راهگشا باشد. سؤال اصلی که پژوهش تلاش دارد به آن پاسخ دهد، عبارت از این موضوع است که رویکرد اسلامی به صلح چگونه است؟ و فقه شیعی به چه صورتی باعث پویایی در رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل و به‌ویژه صلح می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد اسلامی در مقایسه با بیشتر رویکردهای مطرح در روابط بین‌الملل در نگاه خود به صلح به عواملی نظیر فرد، دولت و نظام بین‌الملل توجه می‌کند و بدین لحاظ می‌توان گفت که این رویکرد جامعیت بیشتری دارد. از طرف دیگر فقه شیعی از طریق ارائه تفسیرهای جدید، به‌ویژه در حوزه عقل و اجماع، در مقایسه با نگرش اهل سنت، باعث پویاتر شدن رویکرد اسلامی به موضوعات بین‌المللی از جمله جنگ و صلح می‌شود. مستندات مربوط به این استدلال در متن اصلی مقاله آورده شده است.

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است

واژگان کلیدی: روابط بین‌الملل، صلح، واقع‌گرایی، لیبرالیسم، اسلام و صلح مثبت.

مقدمه

بحث صلح و تلاش برای به ایجاد آن از جمله موضوعاتی است که در مکاتب فکری مختلف روابط بین‌الملل به گونه‌های مختلف مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است. هر کدام از این نحله‌های فکری، با برجسته کردن برخی از ویژگی‌های مفهوم صلح، دیدگاهی ارائه دادند که در انطباق با مفروضه‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این نحله‌های فکری باشد. در یک دسته‌بندی کلی، این گونه رویکردهای فکری را می‌توان به دودسته: خوش‌بینان و بدبینان تقسیم کرد. باورمندان به گروه اول عقیده دارند که ذات انسان و به تبع آن محیط بین‌المللی صلح‌طلب است و صلح و صلح‌خواهی موضوع مسلط در عرصه بین‌المللی است. در مقابل، بدبینان عقیده دارند که ذات انسان شرور است و به تبع آن دولتی که از دل چنین جامعه انسانی شکل می‌گیرد نیز شرور است و نمی‌توان به چشم‌انداز ثابتی و پایداری در زمینه تحقق صلح در عرصه بین‌المللی امیدوار بود. نحله‌های فکری لیبرالیسم در شاخه‌های مختلف آن متعلق به گروه اول و واقع‌گرایانی مانند واقع‌گرایی کلاسیک و واقع‌گرایان ساختاری با توجه به اعتقاد آن‌ها به آنا‌رشی بودن نظام بین‌المللی در گروه بدبینان قرار می‌گیرند.

بیشتر نظریه‌ها و نحله‌های فکری ارائه‌شده به مفهوم صلح در روابط بین‌المللی متعلق به مکاتب فکری غربی است و بسیاری از مفروضه‌هایی هم که در این زمینه مطرح شده است بازتاب‌دهنده الگوها و ارزش‌های غربی است. در این بین رویکردهای

یاست‌پژوی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



جدید به موضوعات روابط بین‌الملل و نیز مفاهیمی مانند صلح و جنگ در حال شکل‌گیری است که چشم‌انداز جدیدی را به عرصه روابط بین‌الملل ارائه می‌دهند. این رویکردها بیش‌تر در قالب رویکردهای غیر غربی روابط بین‌الملل معرفی می‌شوند. رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل یکی از این دیدگاه فکری است. دین و روابط بین‌الملل در کلیت آن اعم از تأثیر ادیان توحیدی و غیرتوحیدی و نیز رویکرد اسلام به روابط بین‌الملل به‌طور خاص از جمله حوزه‌هایی هستند که در سال‌های اخیر رشد فراوانی در ادبیات روابط بین‌الملل داشته‌اند. بنا به آیات قران کریم، اسلام دینی جامع است. و برنامه کاملی برای رشد و کمال انسان، چه در عرصه زندگی داخلی و چه در عرصه بین‌المللی در اختیار ابنا بشر قرار می‌دهد.

با توجه به این موضوع بررسی دیدگاه اسلامی به روابط بین‌الملل و به‌ویژه رویکرد اسلام به صلح در عرصه بین‌المللی از جمله موضوعاتی است که می‌تواند تبیین‌کننده بسیاری از الگوهای رفتاری کشورهای اسلامی باشد. اسلام در کلیت خود جامع است و فرق مذهبی شکل‌گرفته در داخل آن در بسیاری از اصول دین مشترک هستند، با این وجود در بین آن‌ها در زمینه نگاه به عرصه موضوعات موجود در عرصه بین‌المللی

از جمله صلح و جنگ تفاوت وجود دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی این اختلافات است پژوهی نیست؛ بلکه تلاش دارد رویکرد اسلامی به صلح در عرصه بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهد. در کنار بررسی رویکرد اسلامی تلاش دارد رویکرد فقه شیعی به مفهوم صلح را نیز مورد ارزیابی قرار دهد. پس هدف پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که رویکرد اسلام به صلح چیست؟ و فقه شیعی به چه صورتی باعث پویایی در رویکرد اسلامی به صلح می‌شود. پژوهش در سه بخش سازمان‌دهی شده است، بخش اول بررسی رویکردهای اصلی نظریه‌های روابط بین‌الملل به صلح، بخش دوم رویکرد اسلامی به صلح و بخش سوم بررسی صلح از دیدگاه فقه شیعه.



۱. چارچوب مفهومی (صلح از منظر نظریه‌های روابط بین‌الملل و رویکرد اسلامی - شیعی)

۱-۱. نگاه نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل به صلح

صلح در عرصه بین‌المللی از جمله موضوعاتی که است که مورد توجه مکاتب مختلف روابط بین‌الملل قرار گرفته است. هر کدام از این مکاتب با توجه به مبانی هستی‌شناختی خود تلاش کرده‌اند آن را در نظام بین‌الملل تبیین کنند.

۱-۱-۱. رئالیسم و صلح در نظام بین‌الملل

در مبانی هستی‌شناسی نظریه‌های رئالیستی روابط بین‌الملل، بیشتر از صلح بر جنگ تأکید شده است. به عبارت دیگر نظریه‌های رئالیستی عقیده دارند که جنگ در عرصه بین‌المللی با توجه به ماهیت آنارشی نظام بین‌الملل طبیعی است و صلح در نظام بین‌الملل ماهیت عرضی دارد. نظریه‌های رئالیستی کلاسیک علت طبیعی بودن جنگ در عرصه بین‌المللی را به ماهیت بشر نسبت می‌دهند و عقیده دارند که ذات انسان شرور، خودخواه و قدرت‌طلب است و این ویژگی‌ها باعث می‌شود که آن‌ها به دنبال افزایش قدرت خود باشند. این تمایل به قدرت‌طلبی منجر به جنگ می‌شود. نظریه‌های جدیدتر رئالیستی از جمله رئالیست‌های ساختارگرا و رئالیسم نوکلاسیک این ماهیت طبیعی بودن جنگ در نظام بین‌الملل را بر اساس ساختار بین‌المللی و عوامل داخلی موجود در کشورها تبیین می‌کنند. این نظریه‌ها عقیده دارند که ساختار نظام بین‌الملل آنارشی است و با توجه به این‌که عنصر مرکزی برای هدایت و کنترل رفتار بازیگران در عرصه بین‌الملل وجود ندارد تا رفتار بازیگران را کنترل کند، دولت‌ها به توانایی خوداتکا کرده و تلاش دارند از طریق بالا بردن توانایی خود در عرصه بین‌المللی امنیت خود را حفظ کنند.

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



برای رئالیست‌ها قدرت ارزشمند است. چون دولت‌ها مجبور هستند قدرت را به دست آورند. رهبران کشورها باید راه‌های عقلانی مختلفی را انتخاب کنند که بتواند پایداری کشور در محیط آنارشی را تضمین کند. رهبران کشورهای نیاز دارند تا خودشان را از اصول اخلاقی جهانی که معمولاً به معنی نشان دادن دیدگاه مثبت به سایر اعتقادات است دور کنند و به‌جای آن نیاز دارند تا مجموعه جدیدی از اصول اخلاقی را یاد بگیرند. سیستم اخلاقی و گانه در رئالیسم به این معنی است که از لحاظ داخلی کشور از نظمی برخوردار است که در آن مردم از طریق اصول اخلاقی مشترک با همدیگر امتزاج می‌یابند و در مقابل خارج از کشور محیطی آنارشی است که نیازمند اصول اخلاقی متفاوت است (Haidary Azadany, 2016: 402). بدین‌سان، صلح و ثبات در نظام بین‌الملل به‌عنوان پدیده‌های عارضی و مقطعی تلقی می‌شود که برای حفظ آن باید از تمهیداتی چون موازنه قدرت و بازدارندگی بهره گرفت. اگر همه دولت‌ها درصدد به حداکثر رساندن قدرت خویش باشند، ثبات و در نتیجه موازنه قدرت به وجود خواهد آمد. بنابراین، سیر منطقی قضایا (در رهیافت رئالیسم) به این صورت است که ذات شرور، انسان را به قدرت‌طلبی می‌کشاند و این قدرت‌طلبی در دولت‌ها انعکاس می‌یابد و به تبع آن صحنه بین‌المللی، صحنه زورآزمایی دولت‌ها می‌شود (نجات پور و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۰۱).

سایت پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل

نظریه‌های رئالیستی علاقه‌ای به تعریف صلح ندارند و در مقابل، بر هر نوع قدرت صلح که همراه عدالت است تأکید دارند. چون این موضوع بیانگر این است که در صورت فقدان توافق در مورد عدالت ممکن است صلحی وجود نداشته باشد. رئالیست‌ها بیشتر تمایل دارند صلح را به‌صورت ساده‌تر و در قالب فقدان خشونت سازمان‌یافته تعریف کنند. آن‌ها عقیده دارند که عدالت و صلح در بعضی اوقات می‌توانند و اختلاف‌برانگیز هستند، اگرچه آن‌ها ممکن است تصدیق کنند که عدالت در بعضی از زمان‌ها شرایطی است که در آن صلح از بین می‌رود. در بعضی اوقات دیگر نیز عدالت ممکن است شرایط خشونت دنباله‌دار را به وجود آورد، همچون کشمکش بر سر



موضوعی مانند تعیین سرنوشت ملی (Mapel, 1998: 57).

۱-۲. لیبرالیسم و صلح در نظام بین‌الملل

برخلاف نظریه‌های رئالیستی روابط بین‌الملل نظریه‌های لیبرالیستی نگاه مثبتی به ماهیت بشر و نظام بین‌المللی داشته و امکان دستیابی به صلح در میان دولت‌ها در عرصه بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌دانند. بسیاری، کانت^۱ را با تأکید وی بر امکان نیل به صلح میان دولت‌های دموکراتیک پایه‌گذار این اندیشه می‌دانند. نویسندگان لیبرالی چون جرمی بنتام^۲ و ویلیام پین^۳ نیز در این میان حائز اهمیت‌اند. آن‌ها معتقد بودند که پیشرفت در میان دولت‌ها مانند داخل آن‌ها امکان‌پذیر است؛ کارگزاری بشری می‌تواند به شکلی معنادار نوع بشر را در جاده ترقی سیاسی-اجتماعی پیش ببرد؛ و هماهنگی طبیعی منافع میان دولت‌ها وجود دارد، بنابراین تعارضات میان دولت‌ها ناشی از ناسازگاری بنیادین میان منافع آن‌ها نیست، بلکه ناشی از سوءتفاهم و موقتی است. از این منظر، همکاری نهادینه دولت‌ها می‌توانست به پیشبرد صلح جهانی کمک کند مهم‌ترین وجه معرف نظریه‌های لیبرال، باور به امکان تحول در روابط بین‌الملل به شکل همکاری، کاهش تعارضات و نهایتاً نیل به صلح جهانی است (عمومی، حسین‌خانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

تعریف لیبرال‌ها از صلح جنبه ساختاری دارد. لیبرال‌ها عقیده دارند که صلح از طریق اقداماتی که توسط بازیگران نظام بین‌المللی انجام می‌گیرد. دیدگاه لیبرالیستی بر شرایط سلبی و ایجابی صلح تأکید دارد. از نظر کانت، شرایط سلبی صلح برچیده شدن ارتش‌های دائمی، عدم‌مداخله در امور دولت‌ها، ممنوعیت آدمکشی و خیانت به‌عنوان ابزار دیپلماسی و پایان بخشیدن به ماجراجویی امپریالیستی است. و عوامل ایجابی آن این است که سازه بندی داخلی هر دولت باید جمهوری‌خواه باشد و حقوق بین‌الملل باید بر فدراسیونی از دولت‌های آزاد بنا شود. این نظریه که بانام نظریه صلح

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



۶۸

1. Immanuel Kant
2. Jeremy Bentham
3. William Penn

مردم‌سالارانه نیز مشهور است می‌گوید که دولت‌های لیبرال به جنگ دیگر دولت‌های لیبرال نمی‌روند. از دید این نظریه، راه رسیدن به صلح میدان دادن به نظام‌های مردم‌سالار، احترام‌گذاری جهانی به حقوق بشر و تکوین و توسعه جامعه مدنی است (آجیلی، اسماعیلی اردکانی، ۱۳۹۲: ۴). تفکر لیبرالیستی در مورد روابط بین‌المللی مبتنی بر مفاهیم مختلفی از انترناسیونالیسم، وابستگی متقابل، صلح بدون جنگ و خلع سلاح است، لیبرال‌ها امید دارند که جنگ می‌تواند سرانجام ریشه‌کن شود، حق تعیین سرنوشت همه شهروندان به وجود آید و امکان دولت جهانی و یا یک فدراسیون جهانی به وجود آید. در این معنا تفکر لیبرالیستی بیانگر یک بعد عملی و بازتاب‌دهنده هستی‌شناسی صلح و هماهنگی است. (Richmond, 2008:22).

۱-۳-۱. مارکسیسم و صلح در نظام بین‌الملل

موضوع صلح و جنگ از طریق مفاهیم مختلفی در اندیشه مارکس^۱ از جمله مادی‌گرایی تاریخی، تضاد طبقاتی و کمونیسم شرح می‌شود. بر اساس نظر مارکس صلح جهانی زمانی به وجود می‌آید که دولت در ساختار بین‌المللی از بین برود. زمانی که تعداد زیادی از جوامع جهانی در همبستگی و اقدام مشترک شرکت می‌کنند، جامعه جهانی سوسیالیستی می‌تواند شکل بگیرد. در چنین جامعه کمونیستی همان‌گونه که انگلس^۲ نیز ^{یاست‌پروبی} در سخنان خود به آن اشاره می‌کند از بین بردن صلح داخلی اتفاق نخواهد افتاد و هیچ جامعه کمونیستی تمایل ندارد در یک جنگ تهاجمی شرکت کند. چون آن‌ها می‌دانند که در این جنگ نیروی انسانی و سرمایه خود را از دست خواهند داد. از این منظر تنها جنگی که جامعه کمونیستی احتمال دارد در آن شرکت داشته باشد جنگ دفاعی است. مارکس عقیده داشت که جنگ در ارتباط با اقتصاد است. در این زمینه مارکس جنگ در سرمایه‌داری اولیه را از جنگ در سرمایه‌داری مدرن متمایز می‌کرد. جنگ در

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



1. Karl Marx
2. Friedrich Engels

سرمایه‌داری اولیه به دلیل تمایل دولت‌ها برای استعمار و رقابت‌های تجاری پرتکرار بود. درحالی‌که به عقیده مارکس سرمایه‌داری مدرن دارای ویژگی‌های صلح بیشتری بود چون اقدام نظامی می‌توانست آثار مخربی بر سرمایه داشته باشد؛ بنابراین از دید مارکس علت اصلی جنگ بحران‌های اقتصادی نیست بلکه مرتبط با بحران‌های سیاسی است (Buecker, 2003: 53-4).

تفسیرهای متفاوتی از نگاه مارکس به سرمایه‌داری و زمینه‌های بروز جنگ در این نظام وجود دارد ولی با این وجود مارکسیست‌ها

«عمدتاً بر آن‌اند که تضادهای طبقاتی زمینه‌ساز نزاع و جنگ هستند. در سطح داخلی، شکاف بین سرمایه‌داران و طبقه کارگر - همان‌طور که خود مارکس پیش‌بینی کرده بود - نهایتاً به برخورد خشونت‌بار دو طرف و به انقلاب کارگری می‌انجامد. در سطح جهانی نیز رقابت قدرت‌های سرمایه‌داری زمینه‌ساز جنگ است. قدرت‌های سرمایه‌داری به دلایلی چون مصرف ناکافی یا فشار سرمایه برای یافتن فرصت سرمایه‌گذاری، به تحرکات امپریالیستی در خارج کشیده می‌شوند. رقابت قدرت‌های امپریالیستی در عرصه بین‌المللی مستعد برخوردهای خشونت‌بار و جنگ میان خود آن‌ها است» (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۱۸۴)

مارکسیست‌ها به‌ویژه مارکسیست‌های ساختارگرا عقیده دارند که اقتصاد و تجارت جهانی و همچنین روابط سیاسی به‌گونه‌ای ساختاربندی شده است که تأمین‌کننده منافع تعداد محدودی از نخبگان و طبقات اجتماعی است. این ساختاربندی موجب کنترل این طبقات بر دولت و سازمان‌های بین‌المللی می‌شود که درنهایت این امر موجب شکل‌گیری بی‌عدالتی جهانی و خلع قدرت از بسیاری از مردمان جهان می‌شود. تا زمانی که چنین ساختاری در نظام بین‌الملل باشد صلح نمی‌تواند وجود داشته باشد (Richmond, 2008: 59).

۱-۴. نظریه‌های انتقادی و صلح در نظام بین‌الملل

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



علاوه بر جریان اصلی روابط بین‌الملل که در بالا اشاره شد، مجموعه نظریاتی نیز در قالب نظریه‌های انتقادی روابط بین‌الملل شناخته می‌شوند که تعریف متفاوت‌تری از صلح را ارائه می‌دهند.

«نظریه‌های انتقادی ریشه در یک‌رشته از اندیشه‌ها دارد که پیش‌بینی می‌شود متعلق به عصر روشنگری و متصل به نوشته‌های کانت، هگل و مارکس است. درحالی‌که این اصل و نسب در تولد نظریه‌های انتقادی مهم است اما این نظریه‌های از منابع دیگر نیز سرچشمه می‌گیرند؛ از جمله اندیشه یونان باستان در استقلال و دموکراسی و همچنین تفکرات نیچه و وبر. با این وجود نظریات انتقادی از قرن ۲۰ به بعد بیشتر با اندیشه‌های مکتب فرانکفورت شناخته می‌شود. کارهای ماکس هورکهایمر^۱، تئودور آدورنو^۲، والتر بنیامین^۳، هربرت مارکوزه،^۴ اریک فروم^۵، لئو لونتال^۶ و اخیراً، یورگن هابرماس^۷ نظریه انتقادی موجب تجدید حیات نظریه‌های انتقادی شد» (Burchill and eat all, 2005: 138).

این مطالعات واکنشی نسبت به رویکرد سنتی صلح و امنیت و نقطه آغاز نقد دولت به‌عنوان مرجع صلح و امنیت در پارادایم مدرن بودند.

«اندیشمندان این نحله دولت دارای حاکمیت ملی را یکی از عوامل مهم ^{یاست‌پژوبی} ناامنی و نقض صلح می‌دانند به اعتقاد آن‌ها صلح پایدار تنها زمانی به‌وسیله مردم و گروه‌ها قابل دستیابی است که آن‌ها دیگران را از آن محروم نکنند. رسیدن به این هدف در صورتی میسر است که امنیت به معنی فرایند رهایی تلقی شود. آن‌ها مفاهیمی هم‌چون رهایی و خودمختاری را وارد ادبیات

1. Max Horkheimer
2. Theodor W. Adorno
3. Walter Benjamin
4. Herbert Marcuse
5. Erich Fromm
6. Leo Lowenthal
7. Jürgen Habermas



امنیتی نمودند. به اعتقاد آن‌ها رابطه مستقیمی میان صلح، نبود تهدید، خودمختاری و رهایی وجود دارد. منظور از رهایی در آرای انتقادی‌ها آزاد نمودن مردم هم به‌عنوان فردی و هم به‌عنوان گروهی از عوامل محدودکننده و بازدارنده در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی می‌باشد. این آزاد نمودن باید بر اساس آزادی اختیار و حق انتخاب در یک زمینه برابر و برای کاهش دادن موانع (این موانع می‌تواند شامل خود دولت نیز باشد) در رسیدن بشر به نیازمندی‌های خود باشد» (امام‌جمعه زاده، مرادی: ۱۳۹۱).

به نظر پیروان مکتب انتقادی مانع اصلی در شکل‌گیری اجتماع جهانی و همچنین رسیدن به یک دیدگاه مشترک در مورد موضوعات مبتلا به‌نظام بین‌المللی از جمله موضوع جنگ و صلح ساختار دولتی مبتنی بر حاکمیت ملی است. لینک لیتر^۱ بر آن است که دولت به‌عنوان نوعی اجتماع اخلاقی و سیاسی به شکلی اجتماعی و تاریخی برساخته شده است، ابزاری برای بیرون‌گذاری و درون‌گذاری است. بر این اساس منافع «داخلی‌ها» در آن بر منافع «بیرونی‌ها» ارجحیت دارد؛ و در صورت تعارض میان وظیفه نسبت به هم‌میهنان و بشریت، اولی ناگزیر اولویت پیدا می‌کند؛ اما این چیزی ثابتی نیست و می‌توان آن را به برداشتی وسیع‌تر از اجتماع در مقیاسی جهانی تبدیل کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۳۶).

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸

۲. رویکرد اسلام به صلح

یکی از واژه‌هایی که در معارف اسلامی ریشه در معنوی لغوی اسلام دارد صلح است. خشونت و جنگ اهمیت کمتری در آموزه‌های اسلامی داشته و بیشتر بر صلح و همزیستی تأکید می‌شود. اسلام به دنبال تقویت صلح در اندیشه و عمل اینا بشر است و یکی از نام‌هایی که مسلمانان برای خدا به کار می‌برند «سلام» به‌عنوان منبع صلح است.



1. Andrew Linklater

«ایده صلح ریشه در زندگی روزمره مسلمانان دارد. مسلمانان وقتی همدیگر را ملاقات می‌کنند از عباراتی مانند السلام علیکم و علیکم السلام استفاده می‌کنند که به معنی درود بر شما و درود بر شما است. آرزو برای صلح در سراسر اسلام نمایان است. قرآن همه مسلمانان را به جست‌وجوی صلح، عدالت و مهربانی دعوت می‌کند و عقیده دارد که ابنا بشر از یک خانواده هستند. آیات متعددی در قرآن وجود دارد که از ایده صلح جهانی از طریق ارتقا حقوق مردم حمایت می‌کند. در قرآن خشونت علیه همه موجودات ممنوع شده است. قرآن همه اعمالی را که موجب تهدید و از بین رفتن نظم اجتماعی می‌شود را مورد انتقاد قرار می‌دهد. قرآن از مسلمانان درخواست می‌کند که در جامعه با دیگران از موضع برابری و احترام رفتار کنند.» (ACET global peace project, 2014: 20).

رویکرد اسلامی به صلح باید با در نظر گرفتن چهار زمینه مرتبط باهم لحاظ شود. اولین مورد زمینه متافیزیکی - معنوی است که در آن صلح (سلام) به‌عنوان یکی از نام‌های خداوند بخش اجتناب‌ناپذیری از ویژگی‌های مخلوقات خداوند در نظر گرفته می‌شود و به‌عنوان ارزش حقیقی تلقی می‌گردد. زمینه دوم فلسفی - دینی است که در آن مسئله شیطان (شر) به‌عنوان موضوعی کیهانی، اخلاقی و مشکل اجتماعی شناسایی می‌گردد. زمینه سوم سیاسی - حقوقی است و در این زمینه منبع مناسب بحث‌های حقوقی قضایی سنتی در مورد جنگ، شورش، سرکوب، نظم و بی‌نظمی سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد. زمینه چهارم اجتماعی - فرهنگی است که در آن مسائلی از قبیل تجربه‌های مسلمانان از تنوع‌های فرهنگی و دینی در جوامعی با اعتقادات و سنت‌های فرهنگی متفاوت است مطرح می‌شود. همه این چهار زمینه‌ها به همدیگر وابسته است و به‌جود آورنده زمینه بزرگ‌تری است که در آن مسئله صلح و خشونت می‌تواند به‌وسیله بحث میان اندیشمندان، فیلسوفان، قضات و رهبران سیاسی و نیز جوامع مختلف اسلامی سازمان‌دهی گردد. (UI-huda, 2010: 7). این چهار زمینه مختلف

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



بر شکل‌گیری نوعی صلح تأکید می‌کنند که در معارف اسلامی از آن به‌عنوان صلح مثبت یاد می‌شود.

در رویکرد اسلامی بیشتر تأکید بر صلح مثبت است.

«صلح مثبت صلحی است که در آن عدالت و احترام به حقوق بشر وجود دارد. فرصت‌های برابر برای دنبال کردن آرزوها، وظایف و علاقه‌مندی همه اعضای جامعه فراهم می‌شود. قانون و نظم وجود دارد و مکانیسم‌های مناسب برای حل و فصل اختلافات و آشفتگی‌ها در داخل جامعه شکل می‌گیرد. جامعه مدنی نیز به تصویرسازی آینده صلح‌آمیز کمک می‌کند» (Swain, 2009:75).

این معنی از صلح متضاد با صلح منفی است که به‌صورت مرسوم به‌عنوان فقدان جنگ و اختلاف تعریف می‌شود.

« استدلال بر این است که صلح مثبت شامل کیفیت و شرایط خاصی است که هدف آن تبدیل کردن صلح به حالت اصلی هماهنگی و برابری است تا اینکه صلح فقط به‌عنوان نوعی حل و فصل سیاسی در نظر گرفته شود. فهم این نوع صلح مستلزم بررسی دقیق مفروضات فلسفی سنت اسلامی است که تجربه جوامع اسلامی در مقابل سایر جوامع با اعتقادات و فرهنگ‌های مختلف را تشکیل می‌دهد. این مفروضات فلسفی به‌طور طبیعی ریشه در آموزه‌های معنوی و اخلاقی اسلام دارند. بدون در نظر گرفتن ارتباط این مفروضات فلسفی با تجربه‌های سیاسی و فرهنگی مسلمانان در مقابل دیگری ما نمی‌توانیم سنت اسلامی را که در طول زمان‌ها و مکان‌ها تداوم یافته است درک کنیم. » (Kalin, 2013: 221).

صلح مثبتی که اسلام به دنبال تدارک آن در عرصه داخلی و بین‌المللی است مبتنی بر دو رکن اساسی است. توحید و عدل

۱. توحید



توحید از مهم‌ترین مبانی رویکرد اسلام به‌نظام بین‌الملل و به‌ویژه موضوع صلح است. اعتقاد به یگانگی خدا زیربنا و اساس همه ادیان آسمانی به‌ویژه اسلام است؛ و تمام شئون آن اعم از عقاید، احکام و اخلاق بر آن استوار است. قرآن کریم انسان‌ها را به توحید دعوت کرده و شرک را تنها گناهی که قابل آمرزش نیست معرفی می‌کند.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ

فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا»^۱

همچنین قرآن در آیه ۳۳ سوره فصلت

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

زیباترین سخن را سخنی می‌داند که مردم را به‌سوی خداوند یگانه دعوت می‌کند و در

آیه ۶۴ آل عمران

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا

نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا

بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»

اهل کتاب را به پیروی از کلمه حق که همانا پرستش خدای یگانه است دعوت

می‌کند.

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل

« مطابق این اصل اعتقاد بر این است که خالق و آفریننده جهان و همه عوامل موجود در آن تنها ذات تبارک و تعالی است و انسان تنها باید در برابر ذات اقدس او تسلیم شود و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر این که اطاعت او اطاعت از خدا باشد. بر این اساس هیچ انسانی هم حق ندارد دیگران را به‌زور به تسلیم در برابر خود وادار کند یا بنا بر خواسته و امیال خود رفتار و روابط با دیگران را تنظیم کند. انسان‌ها باید بر اساس این اصل علیه بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر افرادی که به اسارت



۱. آیه ۴۸ سوره نسا.

دعوت می‌کنند قیام کند و خود و جامعه‌اش را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند. « (محمدی الموتی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

توحید یک چارچوب فکری ازلی - ابدی در رویکرد اسلامی است که بیانگر حذف آگاهانه اختلافات و تضادها از اقدامات، نگرش‌ها، رفتار در تعاملات اجتماعی است. انسجام و یکپارچگی و استفاده از این دست آوردها در سطح فردی منبعی مؤثر و معتبر برای صلح است. زمانی که اصل توحید درونی شود فرد را از اتخاذ نگرش‌های دوگانه در برابر خانواده، شرکای تجاری و همچنین در قبول مسئولیت‌های عمومی بازمی‌دارد. حذف سامانمند تضادهای درونی و افزایش انسجام در اندیشه و عمل به‌نوبه خود راه را برای صلح هموار می‌کند. از طریق فراهم کردن چنین بستری، اصل توحید حتی برای افرادی که نمی‌خواهند مسلمان باشند نیز قابل پذیرش است. یگانگی در اندیشه و عمل منجر به شکل‌گیری یک‌راه حل مناسب جهانی برای حل و فصل اختلافات در سطح فردی، اجتماعی و جهانی می‌شود (Ahmed, 2004:7)

۲. عدل

رکن دیگری که صلح مدنظر اسلام متکی به آن است اصل عدالت است. در رویکرد اسلامی و به‌ویژه رویکرد شیعه به صلح عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد. این اهمیت متأثر از تأکید قرآن بر اصل عدالت در بسیاری از آیات است. از جمله آیه ۲۵ سوره الحديد.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»
(ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند).

آیه ۸ سوره مائده،

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است! و از (معصیت) خدا پرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است).

آیه ۱۹۳ سوره بقره؛

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ الظَّالِمِينَ»

(با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس و اگر (از فتنه) دست کشیدند (با آن‌ها عدالت کنید که) تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست)

آیه ۸ سوره ممتحنه،

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»

(خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین، جنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد).

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل

آیت‌الله جوادی آملی عقیده دارند که در بحث صلح تنها اکتفا کردن به پایان دادن اختلافات کافی نیست و باید عدالت نیز برقرار شود. ایشان عقیده دارند که

«بر پایه رهنمود قرآن کریم، اگر دو گروه از مؤمنان بر اثر برداشت‌های گوناگون یا تشخیص باطل باهم به مبارزه برخاستند، در آغاز باید از راه موعظه و نصیحت بین آنان را اصلاح کرد و چنانچه گروهی صلح عادلانه را نپذیرفتند و بر دیگری ستم روا داشتند، نباید به‌صرف موعظه بسنده کرد، بلکه باید آن گروه ستمگر را با مبارزه بر سر جایشان نشانند تا به قانون الهی تن دردهند؛ اگر تابع قانون الهی شدند، باید بینش آن‌ها را با عدل اصلاح کرد؛ نه اینکه بین متنازعان صرفاً صلح ایجاد کرد، چون سازش در اینجا



محمود و ممدوح نیست، بلکه باید حقّ ستمدیده را از ستمگر ستاند و به او بازگرداند؛ نه آنکه ستمدیده را واداشت تا از حقّش بگذرد، زیرا این کار ممکن است صلح پدید آورد؛ ولی از عدل و عدالت دور است و صلح غیر عادلانه همان سوزش جانکاه است نه سازش آرامبخش:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ إِحْدُهُمَا عَلَى الْآخَرِي فَقْتِلُوا الَّتِي تَبَغَى حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ ت فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۸۲).

صلح عادلانه، قرائت صلح از مجرای عدالت است که البته خود نه تنها محتوای الگوهای صلح بلکه شکل و صورت‌بندی جامعه بین‌المللی معاصر را نیز با تحول و دگرگونی‌های اساسی مدنظر قرار می‌دهد. به‌واقع، چون عدالت به‌مثابه اکسیری است که آرمان بشر است و صلح را پایدار و استمرار خواهد بخشید، هر آنچه از نظر شکلی و محتوایی باید در تحقق این الگو انجام داد، باید به عمل آورد. « (افتخاری، محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۵۹).

۲-۱. فقه شیعی و صلح

فقه شیعه به‌عنوان یکی از نگرش‌های موجود در رویکرد اسلامی روابط بین‌الملل ارائه‌کننده همان مفروضاتی است که در بالا و در قالب رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل به آن‌ها اشاره شد. نگرش فقه شیعه به صلح در روابط بین‌الملل مشتق از چهار رکن قرآن، سنت، اجماع و عقل است. در این بین فقه شیعه بااهمیت دادن به عقل انسان و همچنین اجماع توانسته است نوآوری قابل‌توجهی را در مفهوم صلح در روابط بین‌الملل به وجود آورد.

۲-۱-۱. منابع فقه شیعه در ترسیم چشم انداز صلح در روابط بین‌الملل

(الف) قرآن

۱. سوره حجرات آیه ۱۰.



در قران کریم آیاتی که مربوط به صلح می‌باشند تحت عنوان آیات سلمی شناخته می‌شوند. سلم یا سلیم در کتب لغت در معانی بری بودن از آفات ظاهری و باطنی، صلح، ضد جنگ و اسلام معنا شده است. راغب اصفهانی در مفردات آن را نجات یافتن از عیب‌ها و کنار رفتن از بلا یا تعریف کرده است (افتخاری، محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۶۱). این آیات سلمی عبارت‌اند از:

۱- آیه ۲۰۸ سوره بقره؛

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست).

۲- آیه ۶۱ سوره انفال؛

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

(و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست).

۳- آیه ۹۰ سوره نساء؛

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنْ اغْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْفَوْا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

(مگر آنها که باهم پیمانان شما، پیمان بسته‌اند؛ یا آنها که به‌سوی شما می‌آیند و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند و نه توانائی مبارزه با قوم خود.) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار نمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید).

۴- آیه ۹۴ سوره نساء؛

یاست پرتوی
رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّبْنَا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ
السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ
مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَيَّبْنَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

(ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و به خاطر این که سرمایه ناپایدار دنیا (و غنائمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویند: «مسلمان نیستی!» زیرا غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید). پس (به شکرانه این نعمت بزرگ)، تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.)

۵- آیه ۲۰۵ سوره بقره؛

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفُسَادَ

(و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر) را قطع کند؛ و خدا فساد را دوست ندارد.)

۶- آیه ۹ سوره حجرات؛

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى
فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ
أَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

(و هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردند؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت‌پیشه کنید که

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد).

ب) سنت

اسلام به‌عنوان دینی جهان‌شمول است و بنابراین رسالتی که برای پیامبر اکرم (ص) تعیین گردیده بود منوط به موقعیت زمانی و مکانی خاصی نبود بلکه ایشان تلاش داشتند تا همه ابنا بشر را به دینی که کامل‌تر از سایر ادیان بود دعوت کنند. بررسی سنت رسول اکرم (ص) نشان می‌دهد که مهم‌ترین اصلی که ایشان برای دعوت از دیگران داشتند رعایت صلح و مودت است. اولین مرحله در سنت رسول اکرم (ص) برای برقراری روابط با دیگران دعوت از آنها است.

«دعوت به‌عنوان اساسی‌ترین راهبرد رسول گرامی اسلام در روابط خارجی، عنصر ثابت و روح کلیه فعالیت‌های دیپلماتیک حکومت ایشان به شمار می‌رود. در دیپلماسی صلح‌آمیز پیامبر، دعوت نسبت به سایر امور در اولویت قرار داشته و ایشان در همه جنگ‌ها، ابتدا به دعوت می‌پرداختند؛ به‌طوری‌که اهالی «خیبر» با آنکه از دعوت آگاه بودند، سه روز توسط سفیران و دعوت‌گران پیامبر اکرم به اسلام، دعوت شدند. بنابراین، رفتار سیاسی حضرت رسول اکرم (ص) در حوزه سیاست خارجی بر دعوت، مبتنی بود و ایشان از ابتدای بعثت، حتی هنگام فتح مکه و مدینه این اسلوب را به‌عنوان برنامه‌ای هدفمند و خاص برگزیده بودند و علاوه بر اینکه رسالت خویش را بر این اصل قرار می‌دهند بودند، این شیوه را به سفیران خویش هم توصیه نموده و آنها نیز موظف بودند تا از دستورات ایشان، تبعیت نمایند و دعوت و دیپلماسی صلح‌آمیز را بر شیوه‌های دیگر مقدم بدانند» (حضی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

سنت دعوت در دیپلماسی پیامبر اکرم (ص) ریشه در آیات قرآن داشت که پیامبر را

دعوت به صلح می‌کرد. آیه ۴۵ تا ۴۷ سوره احزاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

(ای پیامبر ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم)

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



وَدَاعِيًّا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

(و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک)

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

(و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از جانب خدا بخشایشی فراوان خواهد

بود)

از جمله این ریشه‌های سنت پیامبر هستند. از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) اصل دعوت چنان اهمیتی داشت که در بسیاری از جنگ‌ها ایشان اولین نفری بودند که اقدام به دعوت به صلح و اسلامی می‌کردند. نامه‌هایی که از سوی پیامبر اکرم (ص) به رهبرانی سایر دولت‌ها فرستاده شده است اهمیت اصل دعوت در روابط خارجی پیامبر اکرم (ص) را نشان می‌دهد. (Navvab and aliakbari, 2013: 70).

بخش دیگری از نگرش فقه شیعی به صلح در روابط بین‌الملل مربوط به سنت امامان معصوم علیه‌السلام است. نگاه امام معصوم به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی، عمدتاً در چارچوب رویکرد قرآن به این پدیده مطرح می‌گردد. امام علی (ع) به‌عنوان رهبر شیعیان جهان نگاه ویژه‌ای به صلح داشتند. اندیشه صلح‌خواهی امام صرفاً به یک ایده انسانی در بعد نظری محدود نمی‌ماند، بلکه همانند انبیای الهی که رسالت هدایت بشر و استقرار عدالت ضامن صلح و امنیت را عهده‌دارند، امام علی (ع) در حوزه عملی نیز در این راستا تلاش می‌کند. امام برقراری صلح در جامعه را از حد یک وظیفه در کنار سایر وظایف فراتر برده و در مرتبه هدف حکومت و سیاست خویش مطرح می‌کند:

« خداوندا، تو می‌دانی که کوشش ما در موضع خلافت برای رقابت در سلطه‌گری و به دست آوردن چیزی از متاع محقر دنیا ناست، بلکه برای آن بود که به نشانه‌ها و حقایق دین تو وارد شویم و در شهرهای تو اصلاح نماییم تا ستم‌دیدگان از بندگانت در امن و آسایش باشند و قوانین متروک

سیاست‌پژوی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



تو بار دیگر به جریان بیفتد»^۱ (سجادی، ۱۳۷۹: ۷۸).

امامان معصوم تلاش داشتند چه در شرایط جنگ و چه در شرایط صلح اقدام خود را هماهنگ با قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) قرار دهند. یکی از بارزترین مثال‌ها در این زمینه صلح امام حسن مجتبی (ع) با معاویه است. امام حسن (ع) در زمینه صلح با معاویه عمل خود را در راستای سنت پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم ارزیابی می‌کند.

«ابی سعید عقیصا از یاران اما علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) است و می‌گوید: پس از پذیرش صلح به حضور امام حسن (ع) رفتم و گفتم ای فرزند رسول خدا چرا با معاویه مصالحه کردی در حالی که می‌دانستی حق پیشوایی با توست و نه او که مردی گمراه و یاغی و شورش‌گر است. آن حضرت فرمود: ای ابوسعید آیا من حجت خدا نیستم؟ آیا جدم رسول‌الله در مورد من و برادرم نفرمود: امامان، قاما او قعدا؟ گفتم می‌دانم. سپس فرمود: ای ابوسعید علت مصالحه من با معاویه همان علتی است که رسول اکرم (ص) با بنی خمره و بنی اشجع و با اهل مکه در حدیبیه انجام داد و برگشت، با این تفاوت که آنان منکر تنزیل وحی بودند و اینان منکران تأویل (و بیان مصادیق پیشوایی و معارف حق) و امام سپس با اشاره به داستان حضرت خضر و حضرت موسی بیان می‌کنند که اگر من این صلح را نمی‌پذیرفتم یک نفر از شیعیان روی زمین باقی نمی‌ماند و همه کشته می‌شدند» (صادقی اردستانی، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

ج) عقل

عقل در فقه شیعه گاهی به‌عنوان آلت و ابزار برای شناخت منابع دین به کار می‌رود و در واقع چپ‌نشین منطقی صغرا و کبرا و شکل دادن استدلال را به عهده دارد؛ و گاهی در ردیف کتاب و سنت است و بدون واسطه به استنباط احکام شرع منجر می‌شود، مانند مستقلات عقلیه. البته در حالت دوم که مستقلاً احکام صادر می‌کند احکام آن کاملاً

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



سازگار با شرع است. «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» (مهرکی و ساجدی، ۱۳۹۵، ۱۱۹). فقه شیعی بر توانایی عقل انسان برای درک موضوعات پیش روی ابنا بشر اعتقاد دارد و بیان می‌کند که در صورتی که عقل انسانی از صحت و سلامت کافی برخوردار باشد می‌تواند حسن و قبح عملی را تشخیص دهد؛ اما باین وجود برخی موضوعات وجود دارند که عقل برای درک آن‌ها نیاز به شرع دارد.

« مستقلات عقلیه آن احکام و موضوعاتی است که عقل به تنهایی قادر به درک مصالح و مفسدات آن است، مانند ادراک حسن عدل، احسان، امانت‌داری و... و قبح ظلم، خیانت، دروغ و... اگر در این‌گونه موارد از نقل هم حکمی صادر شده باشد جنبه ارشادی و امضایی دارد؛ اما غیر مستقلات عقلیه آن احکام و موضوعاتی است که عقل به تنهایی قادر به تشخیص و ادراک آن‌ها نیست بلکه باید از دلیل نقل تبعیت کرد، به تعبیر دیگر برای استنباط حکم شرعی نیاز به اثبات قضیه شرعیه و نقلیه هر دو دارد» (حسین پور، ۱۳۹۵: ۴۶).

صلح از جمله موضوعاتی است که در حیطه موضوعات مستقلات عقلیه است، به این معنی که عقل بشری این توانایی را دارد که حسن صلح و قبح جنگ و خشونت را تشخیص بدهد. عقل می‌تواند فارغ از راهنمایی‌های شرع و وحی، حسن و قبح افعال را درک کند. قبیح بودن جنگ ظالمانه و حسن بودن صلح و امنیت، یک حکم مستقل عقلی است و عقل در داوری، نسبت به صلح‌طلبی انسان، مستقل عمل می‌کند. تعالیم اسلام از یک سو آدمی را به خردگرایی و عقلانیت فرامی‌خواند و از سوی دیگر، خرد را نیرویی می‌داند که انسان را در امور دینی و دنیوی، به سوی باورها، رفتارها و کنش‌های صحیح سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای که هر چه انسان در حیطه باورها و رفتارها، بیشتر از راهکارهای عقلانی بهره‌گیرد، حیات فردی و اجتماعی وی از سلامت، خشونت‌پرهیزی و صلح‌مداری افزون‌تری بهره خواهد گرفت (فقیهی مقدس، ۱۳۹۲: ۴۴۴).

بررسی رفتار و گفتار امامان معصوم (ع) نشان می‌دهد که این بزرگواران در بسیاری



از سخنان و کردارهای خود اهمیت ویژه‌ای به عقل قائل شده و همگان را به خرد و تعقل در امور دنیوی و اخروی دعوت می‌کنند. امام علی (ع) کارکردهای فراوانی را برای عقل ذکر می‌کند که به سه دسته شناختی، عملی و ابزاری تقسیم می‌شود: علم و آگاهی، خودشناسی و خداشناسی از مصادیق کارکرد شناختی عقل است. کمال، مدارا با مردم، سخاوت و دوری از گناهان، افزایش حلم، راست‌گویی عدالت ورزی، جوانمردی و رفتار نیکو از مصادیق کارکرد عملی عقل است. حس تقدیر معاش، حسن تدبیر، دوراندیشی، از مصادیق کارکرد ابزاری عقل است. همچنین ایشان برخی از نشانه‌های عاقلان را این‌چنین برمی‌شمارند. ترک هوس برای تحصیل آخرت، پرهیز از گناهان و پاکی از عیب، طلب کمال، خودداری از ترس و خشم، گرایش به حکمت، پرهیز از خودرایی، صلح‌جویی، فرمان‌برداری از خردمندان، نیکوکاری، درو اندیشی، تسلیم در برابر حق (موسوی و ایران‌دوست، ۱۳۹۱: ۶۳).

فقهای شیعه نیز نسبت به توانایی عقل در استنباط مستقلات عقلی از جمله صلح اذعان دارند. شیخ انصاری از معدود کسانی است که از دلیل عقل به‌طور گسترده استفاده کرده است. وی عقل را در کنار شرع به‌عنوان رسول باطنی مطرح می‌کند و حجیت آن را به این دلیل به‌طور کامل می‌پذیرد. او به استقلال عقل در حکم باور دارد و این مطلب را در قالب تقسیم دلیل عقلی به دو قسم بیان می‌کند: نخست نوعی که مستقل از خطابات شرعی است. در ذیل آن حسن «نیکوکاری» و قبح «ظلم» را مطرح می‌کند. در این موارد خطابات شرعی مطابق با حکم عقل را، حکم ارشادی می‌داند. نوع دیگر را دلیلی عقلی می‌داند که بر خطابات شرعی مبتنی است. از دیدگاه شیخ مواردی چون وجوب مقدمه واجب، ترک ضد، مسئله اجزا و مواردی از ملازمات عقلیه ذیل این مورد قرار می‌گیرد. شیخ انصاری دلیل عقل را مؤسس برخی قواعد کلی دانسته است که می‌تواند در استنباط احکام به فقیه کمک کند (موسوی مطلبی و جمشیدی، ۱۳۹۳: ۳۴۴).

علامه طباطبایی تفکر و ادراک عقلی صحیح را استفاده از استدلال و برهانی می‌داند

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



که مبتنی بر مقدمات بدیهی یا منجر به بدیهی باشد؛ بنابراین اسلام بر اساس قاعده اصول کلی « کل ما حکم بالعقل حکم به الشرع » هر امری را که برهان فلسفی بر آن اقامه شود پذیرفته و تأیید می‌کند و از پذیرش پیامدهای آن ابایی ندارد از این رو ایشان مراد از عقل در کلام خدای تعالی را ادراکی می‌داند که با سلامت فطری برای انسان به دست می‌آید. به نظر ایشان چگونه می‌توان به چیزی که حق نمایی، ذاتی آن است بی‌مهری کرد، از این رو علامه به شدت با اخباری که عدم جواز تکیه بر عقل بعد از شناخت امام را به ائمه نسبت می‌دهند مقابله کرده می‌فرماید. این سخن از عجیب‌ترین اشتباهات است. اگر پس از معرفت امام، حکم عقل را باطل بپنداریم، به معنای ابطال توحید، نبوت، امامت و دیگر معارف دینی است (بهشتی پور، ۱۳۹۰: ۸).

د) اجماع

بحث صلح و ارتباط آن با اجماع در فقه شیعه نیازمند بررسی خود بحث اجماع در فقه شیعه است. از طریق واکاوی معنا و مفهوم اجماع در فقه شیعه مکانیسم‌هایی که این رکن فقهی برای صلح و صلح‌نگری شیعه فراهم می‌کند مشخص می‌شود. در فقه شیعه، اجماع ارتباط نزدیکی با سنت دارد و در این سنت اهل بیت بخش جدایی‌ناپذیری از سنت است. در نگرش شیعه اجماع به سنت پیامبر بازمی‌گردد. از دیدگاه شیعه اجماع به خودی خود حجت نیست بلکه از طریق ارتباط آن با سنت و رأی امامان معصوم است که حجیت می‌یابد. فقه شیعه برای حمایت از استدلال خود در مورد اینکه اجماع به اهل بیت محدود می‌شود به آیه ۳۳ سوره احزاب اشاره می‌کنند.

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ
وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا

و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار می‌کنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شمارا پاک و پاکیزه گرداند. فقهای شیعه همچنین به حدیث ثقلین نیز استناد می‌کنند که پیامبر فرمود. من در میان شما دو چیز گران‌بها به یادگار می‌گذارم. اگر به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم، [یعنی] دودمانم. این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند (Kamali, 2005: 169).

بخش دیگری از رویکرد فقه شیعی در مورد اجماع به بحث امامت ارتباط دارد. فقه شیعه عقیده دارد که با تکیه بر قاعده لطف الهی زمین هیچ‌گاه از وجود امام معصوم خالی نیست و رهنمودهای امام معصوم در جامعه اسلامی ساری و جاری است. در زمان غیبت هم ولی‌فقیه‌ای که جامع‌الشرایط است از سوی ایشان سکان‌دار هدایت جامعه اسلامی است. فقهای شیعه نیز به این امر اذعان دارند. شیخ مفید که از طلایه‌داران مقدم نظریه‌پردازان نیابت فقیه از امام معصوم است آشکارا حکومت بر جامعه اسلامی را از سلاطین عرفی نفی کرده و آن را متعلق به فقیه جامع‌الشرایط می‌داند. (جهان بزرگی، ۱۳۷۸: ۱۹۱).

شیخ مرتضی انصاری نیز در کتاب مکاسب خود بحث ولایت فقیه را مطرح کرده و منصب فقیه جامع‌الشرایط را در سه منصب افتا، قضا و سیاست شرح می‌دهد. او ولایت فقیه در افتا و قضاوت را می‌پذیرد ولی در گسترش آن به حوزه امور سیاسی تردید جدی دارد. آیت‌الله خویی نیز دو دلیل بر وجود فقیه جامع‌الشرایط در دوران غیبت می‌آورد. اولاً، اجرای احکام انتظامی اسلامی در راستای مصلحت عمومی تشریح گردیده و برای حفظ نظم است تا جلوی فساد گرفته شود و ظلم و ستم، تجاوز و تعدی، فحشا و فجور و هرگونه تبهکاری و سرکشی در جامعه ریشه‌کن شود و این نمی‌تواند مخصوص یک برهه عصر حضور، دو قرن و نیم است باشد؛ ثانیاً، از نظر فنی و قواعد علم اصول، دلایل احکام انتظامی اسلام اطلاق دارد اطلاق آزمانی و احوالی و نمی‌توان آن را بی‌جهت، مقید به زمان یا حالت خاصی دانست و همین اطلاق، چنین

یاست پژوهی
رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



اقتضا دارد تا در امتداد زمان همواره ادامه داشته باشد و اجرا گردد. (معرفت، ۱۳۷۸، ۲۳).

متکی بودن اجماع به سنت و به‌ویژه سیره امامان معصوم علیه‌السلام و بحث امامت به این معنی است که فقه شیعه اهمیت بسزایی به نقش ولایت فقیه در اجماع سازی برای موضوعات مختلف از جمله صلح در نظام بین‌الملل و ارتباط با سایر کشورها قائل است. فقه شیعه عقیده دارد که اجماع باید منتج از رأی معصوم باشد و یا شرایطی فراهم باشد که از طریق آن فقیه جامع‌الشرایط که نیابت امام معصوم را در دوران غیبت دارد رأی خود را اعلام کند. این نگرش به اجماع سازی باعث می‌شود که ولی فقیه نقش بسزایی در اجماع سازی داشته باشد. ولی فقیه با اختیارات که در جامعه اسلامی دارد می‌تواند بستر ساز اجماع در مورد جنگ یا صلح باشد. این نقش به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) ولایت فقیه جان دوباره‌ای گرفت. یکی از مهم‌ترین اهدافی که امام خمینی (ره) در نظر داشت تأسیس حکومت اسلامی بود که از طریق این حکومت اسلامی مسلمانان بتوانند در سایه آموزه‌ای اسلامی در امور داخلی و بین‌المللی نقش‌آفرینی داشته باشند. گفتمان انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) مبتنی آموزه‌های اسلامی بود و می‌توان

«احترام متقابل، اصالت روابط حسنه؛ عدم مداخله؛ صلح‌طلبی؛ همزیستی مسالمت‌آمیز؛ پایبندی به معاهدات و تعهدها؛ اصالت مذاکره و رایزنی‌های دیپلماتیک؛ تعامل‌گرایی و تنش‌زدایی از جمله ویژگی‌های این گفتمان دانست.» (آدمی و ابویسانی، ۱۳۹۵: ۱۶).

نقش ولایت فقیه در فقه شیعی و اختیاراتی که در قالب حکومت اسلامی به فقیه جامع‌الشرایط می‌دهند شده است اجماع در موضوعات مختلف از جمله برقراری صلح در داخل و خارج را تسهیل می‌کند. این امر منبث از چند عامل است. اولاً ولی فقیه به نیابت از امام معصوم در جامعه اسلامی عمل می‌کنند بنابراین نظر فقه شیعی در مورد

یاست پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



ابتناء اجماع بر رأی معصوم تأمین می‌شود. ولی فقیه همانند امامان معصوم از عصمت کامل برخوردار نیست ولی با توجه به این‌که خود نقش ولی فقیه هم ناشی از اجماع فقهای شیعی است تلاش می‌کند رفتار و کردار خویش را مبتنی بر فعل و قول پیامبر و امامان معصوم قرار دهد. ثانیاً هدف حکومت اسلامی که ولی فقیه مأمور به تشکیل آن شده است فراهم کردن زمینه‌ای است که در آن عدالت، برابری صلح و آرامش تأمین شود. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز همین امر بود.

«آرمان‌های انقلاب اسلامی، مبشر صلح و جهانی عاری از خشونت است. اسلام فرجام کار جهان را رهایی همه انسان‌ها و کل بشریت از ساختارهای نظام سلطه استکباری معرفی می‌کند تا جایی که در معارف و اندیشه‌های اسلامی، آخرین بازمانده نسل رهبران الهی که فرماندهی هدایت انقلاب سرا سری ضد استکباری و شکل‌دهی دولت واحد جهانی را بر دوش می‌کشد باصفت منجی به معنای رهایی دهنده معرفی می‌شود که سراسر جهان را پس از فراگیر شدن ظلم و ستم از عدل و داد پر خواهد کرد» (سیمبر، ۱۳۹۵:

(۵۸)

بنابراین ولی فقیه با اختیاراتی که دارد از شکل‌گیری اجماعی که منجر به بروز جنگ و خشونت در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌شود جلوگیری می‌کند.

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل

نگاهی به بیانات مقام معظم رهبری و برخی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در اصل سیاست‌های کلی آن را نیز مقام معظم رهبری تعیین می‌کنند، نشان‌دهنده روح صلح‌طلبی در اصل ولایت فقیه است. ایشان در زمینه سیاست بین‌الملل عقیده دارند که

« در زمینه سیاست بین‌الملل، همچنان که دولت‌های قبلی اعلام کردند و بعداً هم همین‌طور خواهد بود، ملت ایران یک ملت صلح‌طلب است. ملت ایران سرستیزه‌گری با هیچ ملتی را ندارد. . . ما به هیچ کشور و هیچ ملتی تعرض نکرده‌ایم؛ ما از حقوق خود قدرتمندانه دفاع کرده‌ایم و



بازهم دفاع می‌کنیم» (واعظی دهنوی، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

اصل صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز که مطابق با آیه شریفه لا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ است، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به برخورد حسنه و برقراری قسط و عدل اسلامی با افراد غیرمسلمان می‌کند. باوجود صلح‌خواهی و مسالمت‌جویی اصل دفاع از مستضعفان نشان‌دهنده تلاش جمهوری اسلامی ایران برای احقاق حق مستضعفین است. . . اصل عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در روابط بین‌الملل نیز از اصول دیگر سیاست خارجی ایران است (باقرزاده، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی صلح از دیدگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل و همچنین رویکرد اسلامی به صلح و به‌ویژه بررسی آن از منظر فقه شیعی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که رویکرد اسلامی به صلح در مقایسه با نظریه‌های روابط بین‌الملل جامعیت بیش‌تری داشته و نگاه دقیق‌تری به بنیان‌های مسائلی مانند جنگ و صلح دارد. این جامعیت در نگرش متأثر از چند عامل است، اولاً نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌ویژه نظریه‌های رئالیستی صلح را پدیده‌ای مقطعی تلقی می‌کنند که باید برای ایجاد آن اقدامات ثانویه مانند توازن قوا را باید انجام داد. درحالی‌که رویکرد اسلامی صلح را بنیان هستی تلقی کرده و خداوند را به‌عنوان مرجع صلح قلمداد می‌کند. رویکرد اسلامی با تکیه بر اعتقاداتی مانند توحید و عدل عقیده دارد که خداوند جهان هستی را بر اساس عدالت آفریده و در صورتی‌که ابنا بشر به توحید ایمان بیاورند دیگر بر سر موضوعات ساده بین آن‌ها اختلافی شکل نمی‌گیرد. علاوه بر این نظریه‌های روابط بین‌الملل همچون لیبرالیسم و مارکسیسم و نیز نظریه‌های انتقادی که متأثر از نظریه‌های مارکسیستی هستند صلح را بیش‌تر در حول محور دولت و کنشگری دولت مدنظر قرار

سیاست‌پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



می‌دهند. برخی از این نظریه‌ها دولت را عامل مؤثر در شکل‌گیری صلح تلقی می‌کنند و برخی دیگر دولت را مانع اصلی در برقراری صلح در نظام بین‌الملل قلمداد می‌کنند؛ اما رویکرد اسلامی صلح را از همه جوانب آن (خرد، میانه و کلان) می‌نگرد. رویکرد اسلامی عقیده دارد که دست‌یابی به صلح فرایندی از پایین به بالا است که از کوچک‌ترین عضو جامعه یعنی فرد شروع شده و در بالاترین سطح، امت اسلامی به کمال می‌رسد.

بررسی نگرش فقه شیعه در قالب رویکرد اسلامی به صلح در روابط بین‌الملل بخشی دیگر از دغدغه‌های فکری این پژوهش بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در فقه شیعی پویایی خاصی وجود دارد که رویکرد اسلامی به موضوعات روابط بین‌الملل از جمله صلح را تقویت می‌کند. رویکرد شیعی در بنیان‌های فکری مانند قرآن، سنت، اجماع با رویکرد فقه سنی اشتراکاتی دارد با این وجود دو عنصر وجود دارد که فقه شیعی توانسته است پویایی خاصی به رویکرد اسلامی ببخشد. عنصر اول عقل است. فقهای شیعه به توانایی عقل انسان در تشخیص حق و باطل و نیز پیامدهای جنگ و صلح اعتقاد دارند تا جایی که برخی از فقهای شیعه عقل را حجت باطنی تلقی می‌کنند.

فقهای شیعه صلح را از جمله موضوعات مستقلات عقلیه می‌دانند که عقل انسان قادر است بدون نیاز به شرع در مورد آن استنباط کند. برخلاف رویکرد فقه اهل سنت که بیشتر بر سنت و اقدامات صحابه پیامبر استناد می‌کنند و هر نوعی اقدامی را منوط به تطابق آن با سیره اسلاف می‌کنند، رویکرد شیعی به عقل انسان در تشخیص مزیت‌های موضوعاتی مانند صلح اعتقاد دارند.

عنصر دیگر در پویایی فقه شیعه بحث ولی‌فقیه و توانایی آن در اجتهاد است. رویکرد شیعی عقیده دارد که بنا به قاعده لطف زمین در هیچ برهه زمانی خالی از امام معصوم ناست. وجود ولی‌فقیه و توانایی آن در اجتهاد تأثیر بسزایی در اجماع سازی شیعه دارد. به اعتقاد رویکرد فقه شیعه ولی‌فقیه با اختیاراتی که در جامعه اسلامی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل
یاست پژوهی



دارد می‌تواند بستر ساز اجماع در مورد جنگ یا صلح باشد و بیش تر از جنگ به صلح تمایل دارد. این تمایل به صلح‌طلبی در نقش ولی‌فقیه متأثر از چند عامل است، اولاً ولی‌فقیه نایب امام است و در اعتقادات و اقدامات خود متأثر از سیره پیامبر و امامان معصوم است. به اعتقاد فقه شیعه سراسر زندگانی پیامبر و امامان (ع) نشان می‌دهد که این بزرگواران در طول دوره زندگی و امامت خود همواره صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز را ترویج می‌کردند، بنابراین ولی‌فقیه نیز متأثر از همین سنت است. ثانیاً ولی‌فقیه، عالمی دانا، آگاه به زمان خویش، مدیر و مدبر است که با شناخت ویژگی‌های عصر خویش برای امت اسلامی تصمیم می‌گیرد نه برای دولت خاص. بر اساس دیدگاه شیعه همه باورمندان به مذاهب توحیدی به‌ویژه اسلام می‌توانند و باید در قالب یک امت اسلامی قرار بگیرند. ولی‌فقیه رهبر امت اسلام است نه دولت اسلامی خاص، بنابراین برای تصمیم‌گیری در مورد جنگ و صلح بیشتر ملاحظات امت اسلامی را در نظر می‌گیرد. این جامع‌نگری به منافع امت اسلامی باعث می‌شود که اختلاف در بین دولت‌های اسلامی به حداقل برسد.



فهرست منابع

۱. آدمی، علی؛ ابویسانی، سعیده (۱۳۹۵). *گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه عدالت‌ساختاری برای جهانی‌عاری از خشونت*، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷، صفحات ۸-۳۱.
۲. افتخاری، اصغر؛ محمدی سیرت (۱۳۹۲). *صلح و سلم در قرآن کریم دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*، سال ششم، شماره دوم، صفحات ۵۳-۷۸.
۳. امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ مرادی، سوسن (۱۳۹۱). *بررسی مقایسه‌ای مفهوم صلح، قابل‌دسترسی در سایت*، <https://rasekhoon.net/article/show/676393> تاریخ بارگذاری، ۳۰ بهمن ۱۳۹۱، آخرین بازدید، ۹ بهمن ۱۳۹۵.
۴. آجیلی، هادی؛ اسماعیلی اردکانی (۱۳۹۲). *درآمدی بر معنا و مفهوم صلح در روابط بین‌الملل؛ رویکرد اسلام سیاسی فقاهتی*، پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره ۱، شماره ۴، صفحه ۱۳۴-۱۰۵.
۵. بهشتی پور، روح‌الله، (۱۳۹۰)، *عقل و وحی از منظر علامه طباطبایی، فلسفه دین*، سال هشتم، شماره نهم، صفحات ۲۴-۵.
۶. باقر زاده، محمدرض (۱۳۹۰). *جایگاه دفاع از حقوق بشر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۶- صفحات ۲۶۱-۲۳۷.
۷. مظاهری کوهستانی، رسول؛ میراحمدی، مریم (۱۳۹۱). *بررسی نقش عقل در دوران اخباریگری، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره بیست و نهم، صفحات ۱۳۴-۱۱۵.
۸. سیمبر، رضا، (۱۳۹۵)، *انقلاب اسلامی و صلح‌سازی برای مدیریت جهان‌عاری از خشونت بایسته‌ها و چالش‌ها*، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، دوره ۲، شماره ۷، صفحه ۳۳-۶۲.
۹. موسوی، مریم؛ ایران‌دوست، محمدحسین (۱۳۹۵). *عقل از منظر چهارده معصوم علیهم‌السلام مطالعات فقهی و فلسفی*، دوره ۳، شماره ۹، صفحه ۵۹-۸۲.
۱۰. مهرکی، بهادر؛ ساجدی، علی‌محمد (۱۳۹۵). *تأملی بر ارزش عقل از نگاه سلفیان و اخباریان فلسفه و کلام اسلامی*، سال چهل و نهم، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۱۵.
۱۱. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸). *ولایت‌فقیه از دیدگاه شیخ انصاری و آیت‌الله خویی*، اندیشه حوزه، شماره ۱۷.

سایت پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین‌الملل



۱۲. جهان بزرگی، احمد (۱۳۷۸). پیشینه تاریخی ولایت فقیه اندیشه حوزه ؛ شماره ۱۷، صفحات، ۲۰۶-۱۸۷.
۱۳. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۷۹). سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۳، سال سوم - شماره یازدهم ، ، صفحه ۷۳-۱۰۷.
۱۴. حسی نیا، ناصر (۱۳۹۲). دیپلماسی صلح آمیز پیامبر اسلام حکومت اسلامی، سال هجدهم، شماره دوم، ، پیاپی ۶، صفحات ۱۶۴-۱۴۶.
۱۵. عمویی، حامد؛ حسین خانی، الهام (۱۳۹۰). دیدگاه‌های رهیافت‌های مختلف روابط بین‌الملل نسبت به مسئله صلح
۱۶. ، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره چهاردهم، صفحات ۱۷۴-۱۰۵.
۱۷. واعظی دهنوی، عباس (۱۳۹۱). مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری جستارهای سیاسی معاصر، سال سوم، شماره اول، صص ۱۴۱-۱۶۹.
۱۸. موسوی مطلبی، سید محمد؛ جمشیدی، حسن (۱۳۹۳). دلیل عقل در دیدگاه شیخ انصاری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و هفتم، شماره ۲، صفحات ۳۴۵-۳۲۷.
۱۹. حسین پور، علی (۱۳۹۵). نقش عقل در فرایند استنباط احکام شرعی از دیدگاه شیعه و اهل سنت، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۶، صفحات، ۵۴-۴۳.
۲۰. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۴). اصول فقه ترجمه محسن غروبان، قم، نشر دارالفکر
۲۱. علی دوست، ابوالقاسم، (۱۳۹۴). جایگاه عقل در فقه امامیه، مجموعه مقالات فلسفه فقه، جلد دوم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. تهران.
۲۲. فقیهی مقدس، نفیسه (۱۳۹۲). مبانی فلسفی صلح‌گرایی از نظر اسلام، مجمع جهانی صلح، قابل دسترسی در سایت: [http://www. iwpeace. com/articles/2911](http://www.iwpeace.com/articles/2911) بارگذاری در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲، آخرین بازدید ۱۰ بهمن ۱۳۹۵.
۲۳. جوادی آملی، (۱۳۸۹). تفسیر نسیم جلد ۱۰، قم، مرکز نشر اسراء
۲۴. بهشتی دامغانی، ابراهیم (۱۳۹۱). اجماع از دیدگاه فریقین، فصلنامه حبل‌المتین، دوره اول، پیش شماره اول، ، صفحه ۱۱۳-۱۳۵.
۲۵. قنبر لو، عبدالله (۱۳۹۰). اقتصاد لیبرال و مسئله جنگ و صلح در روابط بین‌الملل، اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره اول، صص ۱۷۱-۱۸.



۲۶. ساریخانی، عادل؛ آقابابایی، اسماعیل و عطار زاده سعی (۱۳۹۲). *اجماع و نقش آن در استنباط احکام کیفری، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال نهم، شماره سی و دو، صفحات ۴۸-۲.
۲۷. مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۸۷) *حدیث در لغت و اصطلاح و معانی آن*، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۲۸. محمدی الموتی، محسن (۱۳۸۸). *اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی، فصلنامه دین و سیاست*، شماره ۲۰-۱۹ صفحات ۱۳۷-۱۱۵.
۲۹. صدر، حسین (۱۳۵۴). *نهایه الدرایه، تحقیق: ماجد الغرابوی، الناشر: نشر المشعر تضید الحروف کامپیوتایب المطبعه*.
- صادقی اردستانی، احمد (۱۳۸۷). *مبانی قرآنی صلح امام حسن (ع)*، بیانات، سال پانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۰)، صفحات ۱۹۲-۱۷۸.
۳۰. وزیر، مجید (۱۳۹۱). *روش‌سناسی تفسیر فقهی شیعه، فصلنامه مطالعات قرآنی*، سال ۳، شماره ۱۱، صفحات ۱۶۱-۱۸۴.
۳۱. مدرسی طباطبایی، سید *حسی* (۱۳۶۸). *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۲. مشیرزاده، حمیر (۱۳۸۴). *بازبینی نظریه‌های انتقادی در روابط بین الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۷، صفحات ۲۴۹-۲۲۶.
۳۳. نجات، پور مجید؛ جعفری، علی؛ ستوده علی اصغر و زرین کاویانی، بهروز (۱۳۹۲). *رویکرد اسلام به جایگاه جنگ و صلح در نظام بین الملل در مقایسه با رئالیسم و لیبرالیسم، فصلنامه آفاق امنیت*، سال پنجم، شماره هجدهم، صفحات ۹۷-۱۲۳.
34. Ahmed, A (2004). Global peace and justice: An Islamic perspective, resented in international seminar on 'Peace and Justice: The Religious Perspectives' held in Islamabad on Jan. 15, 2004 under the auspices of institute of policy studies, Islamabad.
35. Australian Centre for Education and Training – Global (2014). Global Peace Project: An Islamic perspective, pp. 1-72, also Available at: <http://www.acet-global.com/global-peace-project.html>
36. Buecker, R (2003). Karl Marx's Conception of International Relations, Glendon journal of international studies, vol. 3, pp. 49-58.
37. Burchill, S, Linklater, A, Devetak, R, Donnelly, J, Paterson, M, Reus-Smit, CH, True, J (2005). **Theories of International Relations**, Third edition, Palgrave Mac Milan, Hampshire, New York

یاست پژوهی

رویکرد اسلامی - شیعی به صلح در روابط بین الملل



38. **European Scientific Journal**. vol. 12, No. 8, pp. 401-407.
39. Haidary Azadany, A (2016). How Would a Realist Explain the CivilWar in Afghanistan?
40. Kalin, I (2013). **Islam and Peace: A Survey of the Sources of Peace in the Islamic Tradition**, war and peace in Islam, the use am abuse of jihad, edited by: Ghazi bin Muhammad, Ibrahim Kalin, Mohammad Hashim Kamali, pp. (217-249).
41. Kamali, M. H (2005). Principles of Islamic Jurisprudence, Islamic Texts Society publisher, Cambridge, United Kingdom
42. Mapel,D. R (1998). **alism and ethics of war and peace The Ethics of War and Peace Religious and Secular Perspectives**,Edited by Terry Nardin,, Princeton university press. USA.
43. Navvab, S, A, Aliakbari,R (2013). Survey of Islamic International Relations in Prophetic Tradition, **Religious Inquiries**, Vol. 2, No. 3,PP. 63-77.
44. Richmond, O. P (2008). **Peace in International Relations**, Routledge, New York and London.
45. Swain, A (2009). **Islam And Violent Separatism, New democracies in south Asia**, Rutledge, New York. U. S. A.
46. Ul-huda, Q (2010). **Crescent and Dove: Peace and Conflict Resolution in Islam**, United States Institute of Peace Press, Washington DC.

